

پادداشت

پروژه منطقه‌ای ایران چیست؟



محمدعلی مهدی

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

مدت‌هاست که در محافل سیاسی و رسانه‌های منطقه عربی اسلامی از چیزی به نام «پروژه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران» و اینکه این پروژه چیست و چه اهدافی را دنبال می‌کند، بحث می‌شود. عمده عناصر تشکیل دهنده این پروژه، به زعم آنها، دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه از طریق ایجاد نیروهای نیابتی وابسته و دست‌نشانده به هدف گسترش نفوذ یا گسترش مذهب تشیع در جوامع سنی مذهب و سرانجام، دست‌یافتن به کارت‌های برنده برای چانه‌زنی با قدرت‌های غربی بوده است. برخی از تحلیلگران نیز گفته و نوشته‌اند که ایران در پی نابودی اسرائیل و آزادی فلسطین است و برخی دیگر هدف از این پروژه را ایجاد یک قوس امنیت استراتژیک از سواحل مدیترانه تا دریای سرخ و خلیج فارس ذکر کرده‌اند. ناگفته نماند که پاره‌ای از موضع‌گیری‌ها و اظهارنظرها از سوی افراد غیرمسئول در داخل نیز این تصورات را تقویت کرده است. در مدت اخیر، پس از تحولات ۷ اکتبر در نوار غزه و رویدادهای لبنان به ویژه پس از انفجار بیجرها و شهادت فرماندهان مقاومت و سرانجام سقوط دولت بشار اسد در سوریه، بحث‌ها بدین سو رفته که آیا «پروژه منطقه‌ای ایران» به نتیجه مورد نظر نرسیده یا تضعیف شده و آیا امکان بازنگری و دنبال کردن آن وجود دارد یا خیر. واقعیت این است که چنین پروژه‌ای، با تعریفی که دیگران از آن دارند، اصولاً وجود نداشته و ندارد. تدوین یک پروژه راهکار و مراحل دارد، از جمله آنکه عده‌ای از کارشناسان و متخصصان امر می‌نشینند و پروژه را طراحی می‌کنند. در این طراحی طی مراحل مختلف اجرا و هزینه‌سازوکارهای لازم و سهم و نقش هر یک از نهادها بررسی می‌شود و پس از گشک کاری به تصویب مراجع قانونی و محافل تصمیم‌گیری می‌رسد و برای اجرا به نهاد‌های مسئول ارجاع می‌شود. این چیزی است که در جمهوری اسلامی صورت نگرفته و اصولاً چنین پروژه‌ای تدوین و تصویب نشده است، اما آنچه رخ داده اقدامات مقطعی بر اساس نیت دینی و اخلاقی برای کمک به مظلومانی بوده که این کمک را درخواست کرده‌اند. در زیر به برخی از این موارد به اختصار اشاره می‌کنیم: سال ۱۳۶۱/۱۹۸۲ شمسی) اسرائیل به لبنان حمله کرد و پس از ویرانی و کشتار بی حساب، بشیر جمیل فرمانده شبه نظامیان فلاتزیست را به کرسی ریاست جمهوری رساند. البته در آن زمان، شاگردان دکتر مصطفی چمران مقاومت مسلحانه را به فرماندهی شهید محمد سعد آغاز کردند. آنها امکانات بسیار کمی در اختیار داشتند، لذا حیاتی از شیعیان لبنان که شهید سیدعباس موسوی و شهید سیدحسن نصرا... نیز در آن حضور داشتند به تهران آمدند و برای مبارزه با اشغالگران کمک خواستند. جمهوری اسلامی بنا بر تعهد دینی و اخلاقی در همه زمینه‌ها به آنان کمک کرد و نتیجه این شد که مقاومت پس از ۱۸ سال مبارزه و دادن شهدای بسیار توانست در ماه مه سال ۲۰۰۰ پیروز شود و ارتش اشغالگر از لبنان بیرون براند و نوعی بازآرندگی ایجاد کند. در سال ۲۰۱۱ ملت یمن تحت تأثیر انقلاب‌های مردمی در تونس و مصر بی‌خاست و رژیم علی عبدا... صالح را سرنگون کرد. دولت عربستان سعودی که یمن را حیاط خلوت خود می‌دانست و از تأثیر تحولات یمن بر داخل عربستان بی‌مناک بود جنگ ویرانگری را علیه کشور فقیر و مظلوم یمن آغاز کرد. یمنی‌ها هیچ اقدامی علیه عربستان سعودی نکرده بودند که مستوجب چنین ظلمی باشند. آنها فقط می‌خواستند داخل خانه خود را پاکسازی کنند. باز عده‌ای از یمنی‌ها به تهران آمدند و برای دفاع از خود تقاضای کمک کردند. تهران هم به همان انگیزه‌های یاد شده به آنها کمک کرد تا بتوانند وجود و استقلال و انقلاب خود را حفظ کنند. در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ داعش به سوریه و عراق حمله کرد و دست به کشتارهای فجیع زد. دولت بشار اسد از ایران کمک خواست. همچنین در عراق، داعش به نزدیکی بغداد و اربیل رسید و آقای جواد المالکی، نخست‌وزیر وقت عراق و نیز آقای اسمعود بارزانی، رئیس کردستان، در حالتی از استیصال از تهران کمک خواستند. آیت‌ا... العظمی سبستانی نیز حکم جهاد و بسیج برای مبارزه با داعش داد. در چنین شرایطی بود که شهید حاج قاسم سلیمانی وارد عمل شد و با طراحی و سازماندهی مقاومت در هر دو کشور سوریه و عراق داعش را شکست داد و توطئه دشمنان را نقش بر آب کرد. غرض اینکه هیچ یک از این اقدامات در چهارچوب پروژه‌ای موسوم به «پروژه منطقه‌ای جمهوری اسلامی» صورت نگرفته و چنین پروژه‌ای اصلاً وجود نداشته و آن‌آنکه در گذشته و اینک از شکست این پروژه سخن می‌گویند هدفشان متهم کردن ایران به دخالت در کشورهای دیگر به هدف توسعه‌طلبی و ایجاد نفوذ و دست‌یافتن به کارت‌های برنده بوده و هست. در حالی که نه حزب... لبنان، نه انصارا... یمن و نه حشد الشعبی عراق کارت نیستند که بشود روی آنها معامله کرد. مهم‌تر اینکه وقتی تهران اصل مذاکره و معامله را رد می‌کند، ادعای جمع‌آوری کارت، به اصطلاح منطقی، منتفی به انتفاء موضوع است. آنها نیروهای نیابتی نیز نیستند و در همه مراحل خود تصمیم می‌گیرند که آنکه تحت امر تهران باشند. البته ناگفته نماند که با طرح شهید سید حسن نصرا... مبنی بر وحدت عرصه‌ها و تشکیل محور مقاومت نوعی قدرت بازآرندگی برای اعضا و کیفیت در بخش‌ها و عرصه‌های مختلف با کیفیت است. این مسئله مستلزم اتخاذ سیاست‌های تشن‌زدایی و داشتن روابط متعادل و متوازن با کشورهای جهان است. مرحله سوم برنامه‌ریزی و فراهم کردن

مرتضی مکی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مذاکره با ترامپ نیازمند اجماع ملی است



قرار نیست ایران دست‌های خود را در مقابل آمریکا بالا ببرد

باید همه جوانب مذاکره با ترامپ را مورد بررسی قرار داد

ترامپ قصد دارد هزینه‌های آمریکا در مقابل بحران‌های جهان

را کاهش بدهد

سه شنبه
۲۸ • ۱۲ • ۱۴۰۳
۱۷ رمضان ۱۴۴۶ / ۱۸ مارس ۲۰۲۵

سال هشتم
شماره ۲۰۷۳
armanmeli.ir



آرمان ملی - احسان انصاری: نامه ترامپ به ایران رسیده اما هنوز جزئیات دقیقی از آن منتشر نشده است. این در حالی است که گمانه‌زنی‌های مختلفی درباره جزئیات این نامه مطرح شده است. در چنین شرایطی ارتش آمریکا به دستور ترامپ مواضع حوثی‌های یمن را هدف قرار داده که بسیاری از معادلات خاورمیانه را تغییر داده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوع با مرتضی مکی تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده که در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

پزشکیان بخواهد به این دیدگاه‌ها اهمیت بدهد ممکن است فرصت‌ها را یکی پس از دیگری از دست بدهد. ما فرصت بسیار محدودی در اختیار داریم. در مذاکرات برجام که در سال ۲۰۱۵ انجام شد ما از این فرصت برخوردار بودیم که در مدت دوسال با کشورهای غربی به توافق جامع‌تری دست پیدا کنیم. این در حالی است که در شرایط کنونی ما از این فرصت برخوردار نیستیم. عمر قطعنامه ۲۲۳۱ در اکتبر سال آینده به پایان خواهد رسید. به همین دلیل نیز بی‌توجهی نسبت به فرصت‌هایی که برای ما در عرصه سیاست خارجی به وجود می‌آید، باعث خواهد شد که فرصت‌ها مثل برق و باد برای ما از بین برود. اگر در شرایط کنونی این امکان و فرصت وجود دارد که می‌توانیم به اروپایی‌ها و آمریکا به توافق مناسب برسیم، باید همه تلاش خود را به کار ببریم تا تحریک‌ها به پایان برسد. آنچه که لازمه چنین تصمیم‌هایی در نظر گرفته می‌شود، فقط و فقط منافع ملی است و نمی‌توان دیگر تدریجی داشت. باید از نگاه غیر کارشناسی به موضوع خودداری کرد. دولت پزشکیان به دنبال جنگ نیست و به همین دلیل دیپلماسی کشور در شرایط کنونی باید فعال شود.

با پایان برجام ایران در چه وضعیتی قرار خواهد گرفت؟

تیم مذاکره‌کننده ایران در سال ۲۰۱۵ شرایط خوبی برای مذاکره با آمریکا داشت. این در حالی بود که دولت اوباما و تیم مذاکره‌کننده‌وی به دنبال این بودند که از طریق مذاکره بر برنامه هسته‌ای ایران نظارت کنند. این در حالی است که در شرایط کنونی شرایط مذاکره نسبت به گذشته سخت‌تر شده است. در این موضوع که دولت ترامپ طرفدار اسرائیل و دشمن ایران هستند شکی وجود ندارد. با این وجود ترامپ و تیم وی نیز به دنبال اولویت‌ها و برنامه‌های خود دارند و به همین دلیل نیز بوده که به ایران نامه نوشته است. اولویت نخست ترامپ شعار اول آمریکاست که این شعار باعث خواهد شد از بسیاری از مواضعی که در دوران رقابت‌های انتخاباتی داده‌اند عدول کنند. البته در این زمینه نکته مثبتی نیز وجود دارد و آن این است که برخلاف دوران اوباما که اجماع داخلی در آمریکا بر سر برجام وجود نداشت در شرایط کنونی با توجه به اینکه کنگره آمریکانیز در اختیار جمهوری خواهان قرار دارد شرایط برای اجماع در داخل آمریکا درباره مذاکره با ایران فراهم‌تر است.

محمود واعظی مطرح کرد

گشایش اقتصادی نسبی با تصویب CFT و پارمو

کرد: در حال حاضر مساله تحریم چنان زنجیر دست و پای اقتصاد کشور را بسته و موجبات مقب ماندگی‌هایی در رقابت‌های جهانی برای ایران فراهم آورده و توسعه را با چالش مواجه ساخته است. مذاکرات رفع تحریم‌ها از اواخر دولت دوازدهم شروع شد و آقای عراقچی وزیر امور خارجه مسئول آن مذاکرات بودند. گفت‌وگوها در ماه‌های پایانی سال ۹۹ نهایی و امضای آن به دولت جدید محول شد، اما متأسفانه دولت سیزدهم حسب حواشی غیرسازنده نتوانست آن را عملیاتی کند. راه مطلوب این است که مذاکرات رفع تحریم در دولت چهاردهم سریع‌تر شروع شود. واعظی اظهار کرد: اصلی‌ترین وظیفه دستگام دیپلماسی کشورها مذاکره برای تأمین منافع ملی است و با مذاکره در مورد جملگی اختلافات می‌توان به نتیجه رسید. مذاکره در راستای حصول و تأمین منافع صورت می‌گیرد و خواسته‌های مطروحه در مذاکرات اگر آسیب‌زا و خلاف منافع ملی باشد قطعاً پذیرفته نخواهد شد. معمولاً مذاکرات می‌تواند زمینه تأمین منافع ملی را فراهم آورد و خیلی از مشکلات را حل و فصل کند. وی افزود: اینکه ایران راهبرد می‌توانیم تا موثر به یک تفاهم مناسب سازنده برسند، به مذاکرات رفع تحریم‌ها کمک خواهد شد. همچنین به صورت جداگانه و موازی می‌توانیم با روسیه و چین گفت‌وگو کنیم و



هدف ترامپ از نوشتن نامه به ایران چیست؟

هر چه زمان بیشتری گذشت مواضع ترامپ در زمینه‌های مختلف صریح‌تر و شفاف‌تر می‌شود و سینگال‌هایی که از سوی ترامپ و تیم وی درباره بحران‌های مختلف در سطح جهان مورد توجه جدی‌تر قرار می‌گیرد. در موضوع جنگ اوکراین و یا ورود و یا خروج آمریکا به برخی از بیمن‌های جهانی مانند سازمان بهداشت جهانی و یا مواضعی که درباره مسائل اقتصادی و نظامی در اروپا اتخاذ کرده نشان می‌دهد که آقای ترامپ با برنامه جدی‌تری نسبت به گذشته قصد دارد شعار اول آمریکا را محقق کند. به همین دلیل نیز دیدگاه‌های خود را به صورت عملی‌تری نسبت به محتدان و دشمنان آمریکا در سطح جهانی عنوان می‌کنند. در موضوع ایران نیز همین وضعیت وجود دارد و به همین دلیل ترامپ نشان داده که به دنبال این است که هزینه‌هایی که آمریکا در مقابل متحدان و بحران‌های جهانی پرداخت کند را کاهش بدهد و یا قطع کند. در واقع ترامپ قصد دارد برنامه‌های مورد نظر خود را با کاهش هزینه‌های آمریکا در نقاط مختلف جهان به مرحله اجرا برساند. به همین دلیل نامه‌ای که ترامپ به ایران ارسال کرده نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است.

حمله به یمن در حالی که نامه به ایران فرستاده به چه معناست؟

اگر ترامپ استراتژی گریز از جنگ را در پیش گرفته باشد باید با ایران مذاکره کند. به هر حال شرایط نه جنگ نه صلح، اگر چه می‌تواند تاحدی از سخت‌تر شدن وضعیت جلوگیری کند اما به ندرت اتفاق می‌افتد که چنین مواجهه‌ای با مشکلات به نتیجه و دستاورد خاصی همراه باشد. واقعیت این است مسائل سیاست خارجی ایران و تحریم‌های بین‌المللی که در سال‌های اخیر بر ایران تحمیل شده دست و پای ساختار اقتصادی ایران را بسته و ایران را با چالش‌ها و دشواری‌های جدی مواجه کرده است. در شرایط کنونی کارشناسان و صاحب‌نظران در زمینه سیاست خارجی باید مسائلی را که می‌توان با ترامپ بر سر میز مذاکره مطرح کرد را مورد تحلیل و بررسی قرار بدهند.

با توجه به شرایط موجود واکنش ایران به نامه ترامپ برای مذاکره چه خواهد بود؟

مقام رهبری مذاکره با ترامپ را رد کرده‌اند و در کوتاه‌مدت

تلنگر

ملاحظات روسیه برای اوکراین

خواندن دست‌ترامپ

ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه، اعلام کرد که اصولاً آماده پذیرش ایده دونالد ترامپ مبنی بر آتش‌بس ۳۰ روزه در اوکراین است، اما معتقد است که جزئیات کلیدی هستند و برای تدوین توافقی قابل قبول، به کار بیشتری نیاز است. پایگاه کریستین ساینس مانیتور مدعی شد، پوتین، شب پنجشنبه در کاخ کرملین با استیو ویتکاف، فرستاده ترامپ، دیدار کرد، اما پس از پایان دیدار، هیچ یک از طرفین اظهارنظری نکردند. این امر به عنوان نشانه‌ای تلقی می‌شود که پوتین بر فهرستی از شروط سختگیرانه اصرار دارد که باید پیش از صدور دستور توقف پیشروی تدریجی نیروهایش، برآورده شوند. به گفته کارشناسان، گفت‌وگوهای تلفنی بیشتر بین روسای جمهور روسیه و ایالات متحده مورد نیاز خواهد بود برای اینکه روشن شود رویکرد تعلق‌آمیز پوتین صرفاً تلاشی برای به محاق بردن کل طرح ایالات متحده بوده، یا اینکه تنها نشانه‌ای از احتیاط فراوان است. دیمیتری سوسلوف، معاون برنامه‌های تحقیقاتی شورای سیاست خارجی و دفاعی روسیه می‌گوید: «پوتین جدی است. او آماده توقف جنگ است، اما با شرایط خاص.» او افزود: «و علاقه‌ای به دشمنی با ترامپ ندارد. ما نمی‌خواهیم به وضعیتی بازگردیم که یک جبهه متحد از اروپا و ایالات متحده علیه روسیه وجود داشته باشد.» با این حال، سوسلوف تصریح می‌کند: «ایده آتش‌بس بدون پیش شرط برای روسیه کاملاً غیرقابل قبول است.»

مهلت نگران‌روزه

کرملین نگران است که اوکراین، که مقدم مقاومت می‌کند از مهلت سی روزه به عنوان فرصتی برای بازسازی، تسلیح مجدد و بازگشت به جنگ در شرایط بهتر استفاده کند. رئیس‌جمهور روسیه در یک کنفرانس مطبوعاتی پیش از دیدار با ویتکاف، شرایط خود را تشریح کرد و گفت که خواهان وقفه‌ای نیست که برای روسیه زور آن باشد، بلکه خواهان آغاز مذاکرات جدی و عملی است که منجر به یک توافق صلح پایدار شود. پوتین با طرح سوالاتی گفت: «این سی روز چگونه استفاده خواهد شد؟ برای ادامه بسیج اجباری در اوکراین؟ برای دریافت تسلیحات بیشتر؟ برای آموزش واحدهای تازه بسیج شده؟» سوسلوف می‌گوید که کرملین احتمالاً اصرار خواهد کرد که پیش از اجرائی شدن هرگونه آتش‌بس، طرح کلی توافق نهایی مشخص شود. چشم‌انداز مسکو از چنین توافقی، اوکراین را تضعیف خواهد کرد، چهار منطقه نیمه‌اشغالی و کریمه را به روسیه ضمیمه می‌کند، اندازه ارتش اوکراین را محدود می‌کند و متعهد می‌شود که هرگز به ناتوانی نپیوندد، و مطالبات دیگری نیز مطرح می‌کند. او می‌گوید: «نباید خیلی سخت باشد. زیبارا در حال حاضر بر سر برخی اصول اساسی توافق داریم»، مانند عدم عضویت اوکراین در ناتو و عدم بازگشت به مرزهای قبلی. نه روسیه به نه اوکراین هرگز علاقه‌ای به آتش‌بسی نشان نداده‌اند که صرفاً مقدم را برای مدت نامحدود منجمد کند. به نظر می‌رسد هر دو طرف معتقدند که هیچ توافق این چنینی قابل اعتماد یا پایدار نخواهد بود و تاکنون ترجیح داده‌اند که گزینه‌های جداگانه خود در میدان نبرد را دنبال کنند.

صلح و شرایط روسیه

مقامات روسی و اوکراینی اغلب به تجربه ناامیدکننده خود در طول تقریباً یک دهه تلاش برای اجرای آتش‌بس مندرج در توافق نامه‌های مینسک اشاره می‌کنند. این توافق نامه‌ها که در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ امضا و توسط فرانسه و آلمان پشتیبانی شدند، قرار بوده جنگ در منطقه جدایی‌طلب دونباس اوکراین پایان دهند و گام‌هایی را برای یک صلح پایدار اجرا کنند. اکنون، هم روسیه و هم اوکراین توسط ترامپ به میز مذاکره کشانده می‌شوند، که به نظر می‌رسد برای متوقف کردن دیگری‌ها عجله دارد و بسیج یک توافق نامشخص را بر دو طرف تحمیل کند. همان‌طور که اخیراً اوکراین انجام داد، ترامپ می‌گوید آماده است از چاق‌ها را، به شکل تحریم‌های جدید بر انرژی روسیه، بیرون بیاورد و همه‌ای از لفاظی‌های تندی در علیه مسکو به راه انداخته است. ترامپ این هفته به خبرنگاران گفت: «ما می‌توانیم کارهای بسیار بدی برای روسیه انجام دهیم. این برای روسیه ویرانگر خواهد بود، اما من نمی‌خواهم این کار را انجام دهم زیرا می‌خواهم شاهد صلح باشیم.» اکثر تحلیلگران روسی می‌گویند که تحت تأثیر چنین تهدیداتی قرار نمی‌گیرند، زیرا طیف گسترده‌ای از تحریم‌های اقتصادی و اقدامات دیپلماتیک غرب در سه سال گذشته، روسیه را تسلیم نکرده است. سوسلوف می‌گوید: «ایالات متحده می‌تواند و باید شرایطی را بر اوکراین تحمیل کند همان‌طور که ترامپ به ولودیمیر زلنسکی گفت، «ما هیچ کاری نداریم.» او افزود: «اما روسیه کارت‌های زیادی دارد. روسیه در حال پیروزی است. اوکراین در حال شکست است، بنابراین طبیعی است که شرایطی به آن دیکته شود. روسیه بر شرایط خود اصرار خواهد کرد و این باید پذیرفته شود.»